

**سوال:** دوستی از ما پرسیده بود که آیا با پاپ فرانسیس که تازه انتخاب شده است آشنایی داریم؟

**جواب:** وقت آن رسیده است که در این ایام که ایشان برای جشن جوانان به کشور برزیل رفته اند با ایشان بهتر آشنا شویم:

ایشان در سال ۱۹۳۶ در کشور آرژانتین به دنیا آمدند، و سپاس به گروه همراهان مسیح پیوست تا به صورت جدی و عمیق درس الهیات را بخوانند و در این راه به مقام اسقفی رسیده اند، ولی اسقفی که بسیار ساده زندگی میکرد و حتی در ساختمان مخصوص اسقفان نیز سکونت نداشتند بلکه یک خانه خیلی ساده و فقیرانه داشتند و در شهر با مترو و وسایل عمومی مثل سایر مردم رفت و آمد میکردند و در یک رستوران ساده و کوچک غذا میخوردند، به مردم و مخصوصا به فقرا بسیار توجه داشتند و سعی میکردند هر چه بیشتر به مردم نزدیک شوند.

در ماه مارس، همانطور که میدانید پاپ بندیکت شانزدهم به دلیل کسالت و ضعف استعفا داده که البته حرکت بسیار خوبی به نظر میامد، پس از آن کاردینالها جمع شدند که کس دیگری را به عنوان اسقف رم انتخاب کنند که در آن زمان این اسقف آرژانتینی نظر خود را درباره کلیسا و ماموریت آن اینگونه بیان کرد:

"سخنرانی کاردینال جورج ماریو برگوگلیو پیش از جلسهٔ محرمانهٔ انتخاب پاپ"

در طول همایشهایی که پیش از تشکیل جلسهٔ محرمانه برای انتخاب پاپ برگزار شد، کاردینال جورج ماریو برگوگلیو سخنرانی چشمگیری در حضور برادران کاردینال خود انجام داد. سپس نسخهٔ دستخط آن را به کاردینال کوبایی، جیمی اورتگا تقدیم کرد و او آن را با اجازهٔ وی، علنی ساخت.

به تبشیر اشاره شد. این دلیل وجودی کلیسا است. «شادی شیرین و تسلی بخش بشارت را حفظ کنیم» (پاپ پل ششم). این همان عیسی مسیح است که از درون، ما را به این سمت سوق می دهد.

۱- تبشیر مستلزم غیرتی رسولی است.

تبشیر مستلزم این است که کلیسا آزاد باشد تا از خود بیرون آید. کلیسا فراخوانده شده تا از خود بیرون آید تا به اقضا برود، نه تنها اقضای جغرافیایی، بلکه همچنین به اقضای زندگیها، یعنی به هر جا که سر گناه هست، درد، بی عدالتی، جهل و نفرت مذهبی و فکری هست، هر جا که همه نوع مصیبت هست.

۲- وقتی کلیسا از خود بیرون نمی آید تا بشارت دهد، تبدیل می شود به نقطهٔ مرجع خود و در نتیجه، بیمار می گردد (ر.ک. زنی که در انجیل بر خود خم شده بود). بیماریهایی که در طول زمان، در نهادهای کلیسایی بروز می کنند، ریشه در این مرجعیت خویش دارد، که نوعی خودشیفتگی الاهیاتی است.

در کتاب مکاشفه، عیسی می فرماید که بر در ایستاده، در را می کوبد. مشخص است که این آیه به این واقعیت اشاره دارد که او از بیرون، در را می کوبد تا بتواند داخل شود... اما من به لحظاتی می اندیشم که عیسی در را از داخل می کوبد تا به او اجازه دهیم بیرون بیاید. کلیسایی که مرجع خودش است، می کوشد عیسی مسیح را در داخل خود نگاه دارد و اجازه ندهد خارج شود.

۳- کلیسا وقتی مرجع خودش می شود، بی آنکه بداند، بر این باور است که نوری دارد که مخصوص خودش می باشد؛ چنین کلیسای *mysterium lunae* را نادیده می گیرد و در نتیجه، منجر به بیماری چنان وخیمی می گردد که همان دنیایی بودن روحانی است (به گفته هانری دو لوباک، این بدترین بیماری ای است که می تواند در کلیسا بروز کند). این امر منتهی می شود به زندگی کردن برای جلال دادن یکدیگر.

به بیانی ساده تر، دو تصویر از کلیسا هست: کلیسای بشارتی که از خود بیرون می آید، «*Dei Verbum religiose audiens et fidenter proclamans*» یا کلیسای دنیوی که در خود فرو می رود، و نیز از خود و برای خود. این باید ما را در خصوص تغییرات و اصلاحات ممکن که برای نجات جانها ضروری هستند، روشن سازد.

۴- در خصوص پاپ بعدی: مردی لازم است که بر اساس سیر و نظاره بر عیسی مسیح و پرستش عیسی مسیح، به کلیسا کمک کند تا از خود بیرون بیاید که به اقصای زندگیها برود، به آن یاری رساند تا مادر بارور باشد، و با «شادی شیرین و تسلی بخش بشارت» زندگی کند.

در این متن میتوانیم بهتر تعارض فکر و هدف او را پی ببریم.

سپس ایشان به عنوان پاپ انتخاب شده و در اولین ملاقاتی که از بالای بالکن با مردم که در میدان بزرگ واتیکان جمع شده بودند، خود را به صورت کاملاً ساده فقط اسقف رم معرفی کردند و سپس طبق ادب و رسوم قبلی که میبایست به همه برکت بدهند، ابتدا از مردم خواستند که در سکوت چند دقیقه برای خود و همه دعا کنند و سپس به همه برکت دادند.

اسمی که ایشان برای خود انتخاب کردند همان فرانسیس آسیزی، قدیسی که بسیار فقیر بود و با فقر زندگی میکرد می باشد.

به نظر من، انتخاب ایشان بسیار خوب می باشد چرا که از کشوری غیر اروپایی و نسبتاً فقیر میباشند، و از همان ابتدا خیلی ساده زندگی میکردند و بسیار ساده با مردم صحبت میکردند، ایشان در رم نیز منزل خاص و بزرگ مخصوص پاپ را قبول نکرده بلکه در ساختمان و منزل مخصوص کشیشان خارجی برای خود اتاقی اجاره کرده اند و در میان کشیشان دیگر زندگی میکنند.

ایشان بدون ترس هر وقت به شهر میروند به مردم نزدیک شده و با فروتنی کامل با مردم برخورد میکنند و مخصوصاً بچه ها را محبت میکنند و با مردم دست میدهند، البته با همه این سادگی، یاد آوری میکنند که باید با جدیت و کوشش بسیار مسیح را پیروی کنیم، حتی در جمع اسقفان کشور ایتالیا به آنها یاد آوری کرد که باید نه به عنوان روسا بلکه به عنوان خادمین مردم در سادگی زندگی کنند و به مردم توجه بیشتری داشته باشند.

### اولین بار که از واتیکان خارج شده در شهر رم کجا رفته؟

به دیدن زندانیها در یکی از زندانهای شهر، و اولین بار که از ایتالیا بیرون آمده به جزیره که در وسط دریای مدیترانه جا دارد و در آنجا خیلیها از آفریقا کوشش میکنند که پناهنده بشوند و متأسفانه بعضیها چون با قایق خیلی ساده آمده بودند غرق میشدند، پس پاپ برای اینها به سادگی دعا کرده و تاج گلی برای یاد آوری از این کشته شدگان به دریا انداخته و به خاطر بی توجهی کشورهای توسعه یافته، که به این فقرا و بیچارگان توجه نمیکند از خدا برایشان بخشش طلبید.

و به این کشورها یاد آوری کرد که چگونه خدا از قأیین که قتل برادرش بوده ، پرسیده بود: " با برادرات چیکار کردی؟"

در کشور برزیل نیز تقاضا کردند که گروه کر مخصوص به استقبال ایشان نیاید در عوض با سرود بچهها از ایشان استقبال کردند.

و در سخنرانی خود از مردم برزیل تشکر کرد و گفتند که برای ورد به قلب مردم اجازه می‌خواهم به در دل‌های آنها با احترام در بزنم و از ایشان اجازه بخواهم که اجازه دهند وارد شوم و این هفته با آنها زندگی کنم.

برای اینکار نه طلا و نه نقره دارم، بلکه آنچه که خیلی بالاتر و با ارزشتر است به من داده شده، یعنی عیسی مسیح را برای شما می‌آورم که این آتش محبت برادرانه را که در قلب همه ما می‌سوزد، شعله ور کنیم.

در خاتمه یاد آوری کنم که در کلیسای کلدانی کاتولیک ما یک پاتریارک نوین نیز انتخاب شده که خیلی خوب و مفید خواهد بود و تا به حال رفتار نژاد پرستانه بعضیها را محکوم کرده و گفت که ما باید نه فقط کلدانیها بلکه همه را در نظر گرفته و خدمت کنیم، در نتیجه خدا را شکر کنیم.

آرامش مسیح بر شما باد